

بازیابی راهبردهای ایدئولوژیک در گفتمان کتاب‌های دانشگاهی، مطالعه کتاب‌های تاریخ ایران دوره میانه

مریم طاهرزاده*

زهرا ابوالحسنی چیمه**

زهیر صیامیان گرجی***

چکیده

هدف مقاله ارائه الگوی روش‌شناسی در خوانش انتقادی کتاب‌های دانشگاهی تاریخی است که از طریق مشخص کردن راهبردهای ایدئولوژیک در متن این آثار انجام شده است. بازیابی این مؤلفه‌ها نشان می‌دهد مؤلفان از چه فنون بیانی در بازنمایی واقع‌نمایانه کنش‌گران و رویدادهای تاریخی در تاریخ ایران دوره میانه استفاده می‌کنند، اما در عمل نگرش‌های همراه با ارزش داوری و خوانش‌ها و تفسیرهای معین از گذشته را در اثر خود به خواننده منتقل می‌کنند. مقاله حاضر رویکردی هنجاری به توصیف و تبیین نویسندگان بومی و غیربومی از تاریخ ایران در دوره مورد نظر و آشکار کردن تفاوت‌ها بین دیدگاه‌های این نویسندگان، با استفاده از ابزارهای تحلیل گفتمان و ندایک است. به این منظور چهار سلسله که در چهار کتاب درسی بومی و دو کتاب مرجع غیربومی منعکس شده است، به عنوان پیکره داده‌ها به صورت کمی، کیفی و تطبیقی بررسی شده است. به این ترتیب کتاب‌های تاریخ بومی و غیربومی، از لحاظ وجود راهبردهای ایدئولوژیک در سه محور معنی، سبک و نحو مطالعه شد و با توجه به آمارهای به دست آمده، روشن شد که استفاده از راهبردهای ایدئولوژیک امری اجتناب‌ناپذیر در روایت تاریخ است. همچنین مشخص شد تفاوت‌هایی که در دیدگاه نویسندگان ایرانی و خارجی به عنوان «ما» و «آنها» نسبت به تاریخ ایران وجود دارد، می‌تواند بر خوانش و بازنمایی رویدادهای تاریخی اثرگذار باشد. در روایت تاریخ، نویسنده بومی بیشتر بر ویژگی‌های مثبت ایرانیان، مانند رشادت‌ها و دلاوری‌ها، تأکید دارد در حالی که در نوشتار نویسنده غیربومی، ویژگی‌های منفی آنان مانند اختلاف طبقاتی و نزاع بین اقوام ایرانی منعکس شده است.

کلید واژه‌ها

تحلیل گفتمان انتقادی، ایدئولوژی، و ندایک، کتاب دانشگاهی، تاریخ ایران دوره میانه.

* دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علوم و تحقیقات، دبیر زبان انگلیسی منطقه شهریار
(mataherzadeh@yahoo.com).

** دانشیار پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی «سمت» (zabolhassani@hotmail.com) (نویسنده مسئول).

*** استادیار گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی (z_siamian@sbu.ac.ir).

DOI: 10.30487/rwab.2019.36380

دریافت: ۹۶/۱۰/۱۹ پذیرش: ۹۷/۲/۳۱

پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، شماره ۴۴، بهار و تابستان ۱۳۹۸، ص ۴۹-۷۵

مقدمه

نقش اصلی زبان ایجاد ارتباط بین افراد یک جامعهٔ زبانی خاص است. با وجود این، زبان قادر است ارزش‌های ایدئولوژیک، اجتماعی و نظیر آن را نیز القا کند. ایدئولوژی‌ها در مقام نظام ایده‌های جنبش‌ها و گروه‌های اجتماعی، نه تنها به معنای درک جهان (از منظر گروه) هستند، بلکه مبنایی برای کنش‌های اجتماعی تک تک اعضای گروه قلمداد می‌شوند. ایدئولوژی‌ها دقیقاً بدیل «شناختی» نابرابری و مبارزهٔ اجتماعی هستند، بنابراین نه تنها مولود این ساختارهای اجتماعی‌اند، بلکه تا حد زیادی از طریق رصد گفتمان‌ها و دیگر کنش‌های اجتماعی هر یک از اعضای گروه هم تقویت و هم بازتولید می‌شوند، که در سطح خرد، ساختارهای نابرابری، سلطه و مقاومت را محقق می‌سازند (Van Dijk, 2000: 215). ایدئولوژی‌ها با ساختارهای اجتماعی در ارتباط‌اند و بیشتر آن‌ها به طور اجتماعی فراگرفته می‌شوند یا تغییر می‌یابند؛ بنابراین در نظریه‌های تجزیه و تحلیلی، قلمرو خاصی برای ذهن، فرهنگ، اجتماع و اندیشه در نظر گرفته شده است. رابطهٔ بین این قلمروها از اهمیت زیادی برخوردار است، در نتیجه با کم و زیاد شدن قلمروها، ایدئولوژی‌ها نیز تغییر می‌یابند (Van Dijk, 2004: 179). باختین معتقد است هیچ زبانی خنثی نیست و به زمینه‌های فرهنگی و تاریخی مرتبط است (Wretch, 2016).

در این میان کتاب‌های درسی در فرایند جامعه‌پذیری و شکل‌دهی باورهای فراگیران، نقش بسیار مهمی دارند، زیرا بخش عمده‌ای از تحصیل به آموزش و یادگیری موضوعات متفاوت اختصاص دارد و دانشجویان و دانش‌آموزان بیشترین زمان خود را به مطالعهٔ کتاب‌های درسی می‌گذرانند و به همین علت از آن‌ها تأثیر زیادی می‌پذیرند. وندایک (Van Dijk, 2004) بر این باور است که ایدئولوژی‌ها نه تنها در کتاب‌های درسی، برنامهٔ درسی، تعامل معلم - دانش‌آموز و به طور کلی گفتمان تحصیلی شکل می‌گیرند، بلکه در کل حیات تربیتی سر بر می‌آورند، که در آنجا، در میان دیگر تعلقات، جنسیت، سن، قومیت و طبقه در کنار ایدئولوژی‌های حرفه‌ای معلمان نقش آفرینی می‌کنند. موریو (Moreau, 2011) معتقد است هرچند یادگیری دانش مهم‌ترین هدف تحصیل است، یادگیری ارزش‌ها و نگرش‌ها برای دانشجویان از اهمیت بیشتری برخوردار است. بر این اساس می‌توان گفت زبان به کار رفته در کتاب‌های مدارس و دانشگاه‌ها، از جمله ابزارهای قدرتمند و مؤثری است که می‌تواند در انتقال و القای ارزش‌های ایدئولوژیک به فراگیران نقش بسزایی داشته باشد (Moreau, 2011).

در این میان یکی از موضوعاتی که به خوبی می‌توان بازنمایی ایدئولوژی را در آن

نمایان ساخت، کتاب‌های تاریخی است که در سطح دانشگاه‌ها تدریس می‌شود. تاریخ آئینه گذشتگان است و آنچه در تاریخ هر ملتی دیده می‌شود قطعاً نشانی از ارزش‌ها و هنجارهای آن ملت دارد و شاکله وجودی آن محسوب می‌شود. میک (۱۳۹۳) بر این باور است که افراد و ملل مختلف، به طور متفاوت، به رویدادی واحد می‌نگرند و بر همین اساس معتقد است کتاب‌های درسی سرنوشت یک ملت را تعیین می‌کنند. کتاب‌های درسی آئینه تمام‌نمای سیاست‌های ایدئولوژیک و اجتماعی هستند که هماهنگ با سیاست‌های بومی و محلی هر کشوری تألیف می‌شوند.

اما مسئله این است که چگونه این راهبردهای ایدئولوژیک را می‌توان در کتاب‌های تاریخ بازیابی کرد، در حالی که ادعای تاریخ‌نگاری کلاسیک آن است که فقط به بازتاب واقعیت گذشته به شکل بی‌طرفانه می‌پردازد و مؤلفان آثار تاریخی با اتکا به منابع تاریخی آن دوران با گزارش واقعیت - به همان صورت که روی داده است - بدون دخالت ایدئولوژی و باورهایشان گذشته را بازسازی می‌کنند (احمدی، ۱۳۹۰). این موضوع زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که به کارکردهای فرهنگی و اجتماعی علم تاریخ و نقش هویت‌سازانه گذشته و استفاده یا سوءاستفاده از روایت تاریخ در کتاب‌های مرجع برای دانشگاهیان توجه داشته باشیم (خیل، ۱۳۹۴). در عین حال که استفاده از روش‌های تحلیل گفتمان در مطالعه کتاب‌های دانشگاهی تاریخ در جامعه دانشگاهی تاریخ کشورمان همچنان کم‌رنگ است یا همراه با سطح تحلیل زبان‌شناسانه نیست، اما هدف از این مقاله ارائه الگویی روش‌شناسی از کاربرد مؤلفه‌های تحلیل گفتمان و ندایک به شکل نمونه موردی بر آثاری دانشگاهی است که به موضوعی واحد از سوی مؤلفان متفاوت پرداخته شده است.

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکرد تحلیل گفتمان و ندایک (Van Dijk, 2004)، متن‌های چهار کتاب تألیفی سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت) از دکتر سید ابوالقاسم فروزانی با عنوان‌های *سلجوقیان از آغاز تا فرجام* با ۳۲۴ صفحه و چاپ سال ۱۳۹۳؛ *تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان* با ۱۸۷ صفحه و چاپ سال ۱۳۹۰؛ *غزنویان از پیدایش تا فروپاشی* با ۳۳۷ صفحه و چاپ سال ۱۳۹۵؛ *قراخانیان: بنیان‌گذاران نخستین سلسله ترک مسلمان در فرارود (آسیای میانه)* با ۱۶۸ صفحه و چاپ سال ۱۳۸۹ و دو کتاب غیربومی مرجع با عنوان‌های *تاریخ ایران از فروپاشی دولت ساسانیان تا آمدن سلجوقیان* از ریچارد نلسون فرای با ترجمه حسن انوشه - که سلسله‌های سامانیان و غزنویان را توصیف کرده است - با ۱۲۱ صفحه سلسله سامانیان و

۲۳۲ صفحه سلسله غزنویان، چاپ سال ۱۳۸۵ (انتشارات امیرکبیر) و *تاریخ ایران کیمبریج: از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان* از جان اندرو بویل با ترجمه حسن انوشه - که سلسله‌های سلجوقیان و قراخانیان را توصیف کرده است - با ۱۰۶ صفحه سلسله قراخانیان و ۲۸۵ صفحه سلسله سلجوقیان، چاپ سال ۱۳۸۵ (انتشارات امیرکبیر) را کیفی و تطبیقی بررسی می‌کند تا مشخص کند که در روایت رویدادهای تاریخی یکسان، چه تفاوتی بین نویسندگان ایرانی و خارجی از حیث میزان بهره‌گیری از راهبردهای ایدئولوژیک - در لایه‌های پنهان و آشکار زبان به کار رفته در متون - وجود دارد. زیرا میزان استفاده هر یک از این راهبردها «مانند راهبرد ارزیابی مثبت و منفی در محور سبک»، دیدگاه مثبت یا منفی نویسندگان بومی و غیربومی را نسبت به وقایع یا حاکمان سلسله‌های مورد بحث تا حدودی نمایان می‌سازد. از سوی دیگر، متن ترجمه شده به طور تصادفی با متن اصلی مقایسه گردید و مشخص شد که تقریباً دقیق و تحت‌اللفظی انجام گرفته است؛ بنابراین متن ترجمه را نسبت به متن اصلی وفادار در نظر می‌گیریم و از تفاوت‌های احتمالی بین متن اصلی و ترجمه‌ای چشم‌پوشی، و از آن به عنوان متن غیربومی یاد می‌کنیم. درباره وجه دیگر ضرورت و اهمیت موضوع مقاله شایان ذکر است که با توجه به چالش‌های پسامدرن‌ها در مقابل عینیت‌گرایی مورخان کلاسیک، موضع بی‌طرفی مورخان در روایت گذشته دچار بحران شده است (ایگرس، ۱۳۹۶؛ مکالا، ۱۳۸۷) و در نتیجه رویکردهای برساخت‌گرا و واساخت‌گرا در تاریخ‌نگاری ظهور کرده‌اند (مانزلو، ۱۳۹۴). مورخان درباره چگونگی حضور ایدئولوژی مؤلفان در آثار تاریخ‌نگاری دیدگاه‌های متفاوت و متنوعی دارند (استنفورد، ۱۳۸۲) و از آنجا که نگرش‌ها و ارزش‌های مورخان در عمل تولید متن تاریخی ارائه می‌شود، اما برای نشان دادن این امر در سطح زبان‌شناسی فاقد الگویی روشمند هستند (اسکینر، ۱۳۹۳). در این مقاله، متن کتاب‌های تاریخ دانشگاهی، به منزله متنی یکپارچه و منسجم در نظر گرفته شده است و به نقل قول‌هایی که نویسندگان در کتاب‌ها بیان داشته‌اند، به مثابه بازتاب ایدئولوژی (نظام نگرش‌ها، ارزش‌دآوری‌ها، باورها و هنجارها) خود نویسنده (گرچه نویسنده مدعی اقتباس از منابع است)، توجه می‌شود؛ هرچند ممکن است این نقل قول‌ها به لحاظ روایت رویدادهای تاریخی مهم باشند، از نظر زبانی، اهمیت تفسیری دارند و از آنجا که حاوی نگرش‌های هنجاری در توصیف و تبیین خاصی از رویدادها هستند، با ابزارهای تحلیلی موجود در رویکرد تحلیل گفتمان وندایک بررسی می‌شوند.

چهارچوب نظری تحقیق

تحلیل گفتمان به عنوان یکی از رویکردهای میان‌رشته‌ای مطرح امروزی، سعی در تبیین چگونگی فرایند تأثیر گذاری زبان بر بازنمایی رخدادها و امور بشری دارد. به‌واقع، تحلیل گفتمان (به‌ویژه تحلیل گفتمان انتقادی)، زبان را علمی اجتماعی قلمداد می‌کند که با ایدئولوژی، تاریخ و قدرت، چه در سطح نوشتاری و چه در سطح گفتاری، در ارتباط است. بنابراین با تحلیل و جست‌وجو در لایه‌های پنهان و آشکار زبان به کاررفته در متون نوشتاری یا گفتاری می‌توان به ایدئولوژی نویسندگان و گویندگان نزدیک گردید.

وندایک به عنوان یکی از نظریه‌پردازان برجسته تحلیل گفتمان انتقادی، به بسط مدلی پرداخته است که از آن به عنوان مدل اجتماعی-شناختی یاد می‌شود (Van Dijk, 2004). از نظر او بعد شناختی ایدئولوژی‌ها عبارت‌است از ماهیت ایدئولوژی‌ها به عنوان عقاید، ارتباط آن‌ها با عقاید و دانش و جایگاه آن‌ها به عنوان بازنمودهای اجتماعی مشترک. اما از بعد اجتماعی، ایدئولوژی‌ها نشان می‌دهند که چه نوع ارتباطی بین اعضای گروه‌ها و نهادها در تولید و بازتولید ایدئولوژی‌ها مؤثر هستند. در نهایت از بعد گفتمانی، ایدئولوژی‌ها به واسطه همین متون، شناخته می‌شوند. به باور وندایک اعضای گروه‌ها با هنجارها، کنش‌ها و اهدافی که دارند، خود را از سایر گروه‌ها متمایز می‌کنند و عضویت در هر گروه به «خودی» و یا «غیرخودی» بودن افراد بستگی دارد و در همین راستا، «ما» و «آن‌ها» در بین افراد و جامعه پدید می‌آید (Van Dijk, 2000).

الگوی نظری وندایک (Van Dijk, 2004) شامل دو سطح کلان^۱ و خرد^۲ است. سطح کلان در حقیقت سطح انتزاعی است که با استفاده از آن، به توصیف و تحلیل ارتباط میان گروه‌ها و کنش‌گران اجتماعی، نهادها و سازمان‌ها در جامعه، از یک سو، و لحاظ کردن مفاهیم فرازبانی از قبیل ایدئولوژی، قدرت، سیاست و سلطه در گفتمان از سویی دیگر، پرداخته می‌شود و در سطح خرد نیز به عنوان سطح ملموس و عینی گفتمان، صورت‌ها و ساختارهای زبانی در بافت موقعیتی بررسی و تحلیل می‌شوند. وندایک (Van Dijk, 2004) چندین راهبرد ایدئولوژیک در سطح خرد، برای شناسایی ساختارهای گفتمانی ایدئولوژیک معرفی کرده است که در این پژوهش از محورهای معنی^۳، نحو^۴،

1. macro-level
2. micro-level
3. semantic
4. syntax

سبک^۱ بهره گرفته شده است؛ زیرا براساس پیش مطالعات و بررسی های اولیه نگارندگان، این راهبردها در کتاب های درسی تاریخ بیشتر به کار رفته اند و به نوعی قابلیت بررسی شدن را دارند. شایان ذکر است هر یک از محورهای معنی، سبک و نحو، خود نیز شامل راهبردهای ایدئولوژیک ویژه ای هستند. در ادامه به توصیف راهبردهای ایدئولوژیک هر محور، همراه با ارائه یک مثال برای هر یک از راهبردها که از کتاب های تاریخی مورد مطالعه انتخاب گردیده اند، پرداخته می شود.

محور معنی

وندایک (Van Dijk, 2004) معتقد است ایدئولوژی می تواند در تمام سطوح گفتمان نمود یابد، اما محور معنای گفتمان، جایی است که محتوای ایدئولوژیک به مستقیم ترین شکل ممکن می تواند در آن بیان شود. محور معنی شامل چندین راهبرد ایدئولوژیک است که از بین آن ها راهبردهای ابهام، گواه نمایی، مثال و قطبی شدگی در این پژوهش بررسی شده است.

الف) راهبرد ایدئولوژیک گواه نمایی: از نظر وندایک گوینده / نویسنده از این ابزار ایدئولوژیک به منظور اثبات بیان خویش و تأیید آن استفاده می کند. به بیان دیگر، گویندگان و نویسندگان، مسئول حرف هایشان هستند و اگر باور و عقیده ای را مطرح می کنند، انتظار می رود گواه و شاهدی برای آن بیاورند؛ برای مثال:

- در تاریخ طبری آمده است که اسماعیل سامانی، عمرو را مخیر کرده بود یا اسیر بماند یا به بغداد برود (کتاب غیربومی، صفحه ۶۹) (فرای، ۱۳۸۵).

ب) راهبرد ایدئولوژیک مثال: وندایک (Van Dijk, 2004) معتقد است برخلاف حقایق کلی، مثال ها و مصادیق، به سهولت قابل درک هستند و راحت تر به خاطر سپرده می شوند، زیرا به عنوان مدل رویدادهای موقتی و مقطعی در حافظه انسان جای می گیرند و به مخاطب، سندی تجربی و ملموس ارائه می دهند؛ برای مثال:

- به عنوان نمونه در مناره مسعود سوم یک کتیبه بزرگ تعبیه شده است (کتاب بومی غزنویان، صفحه ۴۳۱) (فروزانی، ۱۳۹۵).

ج) راهبرد ایدئولوژیک ابهام: در مورد راهبرد ابهام نیز وندایک معتقد است که یکی از راهبردهای ایدئولوژیک مؤثری که گوینده / نویسنده از آن بهره می گیرد، راهبرد معنایی ابهام است. آن ها اصطلاحاتی به کار می برند که مرجع مشخصی ندارند یا به دسته ای

نامشخص مانند: خیلی، بسیاری، انبوهی، بالا، و پایین اطلاق می‌شوند؛ برای مثال:
- امیرنصر سامانی در رأس سپاهیان بسیار به جانب بخارا حرکت کرد (کتاب بومی،
صفحه ۵۶) (فروزانی، ۱۳۹۰).

(د) راهبرد ایدئولوژیک قطبی‌شدگی: به باور وندایک (Van Dijk, 2004)
قطبی‌شدگی یکی از راهبردهای مهم ایدئولوژیک است که گوینده/ نویسنده به کارگیری
آن تلاش می‌کند از واژه‌ها و عباراتی استفاده کند که دو قطب و جهت مخالف را برای
خوانندگان به تصویر بکشد؛ برای مثال:
- غازیان به جنگ با کفار ترک سرگرم بودند (کتاب غیربومی، صفحه ۱۲۹) (فرای،
۱۳۸۵).

محور نحو

وندایک (Van Dijk, 2004) معتقد است در هر زبان مجموعه‌ای از قواعد و روابط وجود
دارد که اغلب تغییر نیافتنی و غیر ایدئولوژیک است، اما برخی از این ضوابط و قواعد
می‌توانند تغییر یابند و حامل بار ایدئولوژیک شوند. محور نحو نیز دارای راهبردهای
متعددی است که در پژوهش حاضر، راهبرد ایدئولوژیک و جهت بررسی شده است.

راهبرد ایدئولوژیک و جهت: در راهبرد ایدئولوژیک و جهت که مشخصاً در محور
نحو تجلی می‌یابد، گوینده/ نویسنده ممکن است از وجه‌های متفاوت، برای انعکاس مطلبی
استفاده کند یا به دست کاری در وجه فعل با ایجاد تغییر در بخشی از عبارت فعلی متوسل
گردد، مانند استفاده از افعال و عباراتی همچون: «همان‌طور که می‌دانید، روشن است که،
ضروری است که، یا ممکن است که» یا قیدهایی نظیر «قطعاً و کاملاً» که بازنمایی متفاوتی
از رویدادها را در گفتمان و گزاره‌ها نشان می‌دهد؛ برای مثال:

- اما روشن بود که دستگاه نظامی ترکان در بخارا، بر دولت سامانی استیلا یافته بود
(کتاب غیربومی، صفحه ۱۳۲) (فرای، ۱۳۸۵).

محور سبک

وندایک (Van Dijk, 2004) سبک را در چهارچوب گوناگونی زبانی توصیف کرده است؛
این بدان معناست که برای اشاره به افرادی مشخص و معین می‌توان از واژه‌های متفاوت
استفاده کرد. از این محور، راهبرد ایدئولوژیک واژه‌گزینی و به طور خاص ارزیابی، در
این پژوهش مطالعه و بررسی شده است.

راهبرد ایدئولوژیک واژه‌گزینی (ارزیابی): در راهبرد ایدئولوژیک واژه‌گزینی، از کلمه یا عبارتی با بار معنایی خاص به جای کلمه یا عبارت دیگر، که ممکن است آن بار معنایی را نداشته باشد، استفاده می‌شود. تعییر وندایک (Van Dijk, 1997) از واژه‌گزینی، انتخاب کلماتی است که به طور ضمنی به ارزیابی مثبت یا منفی به وجود آورندگان متون اشاره می‌کند، مانند کلمه «خردمندانه‌ترین» که دارای ارزیابی مثبت است؛ برای مثال:

- در چنین احوالی سامانیان خردمندانه‌ترین راه حکومت را برگزیدند (کتاب بومی، صفحه ۱۸۰) (فروزانی، ۱۳۹۰).

پیشینه تحقیق در کاربرد نظریه و روش تحلیل گفتمان در کتاب‌های دانشگاهی تاریخ با این که تحقیقات مختلفی درباره تحلیل گفتمان و کتاب درسی انجام و منتشر شده است، از آنجا که موضوع این مقاله بر کتاب‌های دانشگاهی تاریخ تأکید دارد و مخاطب این مقاله جامعه علمی تاریخ و زبان‌شناسی در ایران است، بنابراین در پیشینه پژوهش با بررسی آثار مرتبط است. در همین رابطه، پترسن و گراهام (Peterson & Graham, 2015) در کتابی با عنوان *آموزش تفکر انتقادی در درس تاریخ* معتقدند که روشن ساختن جوهره یک واقعیت گذشته در واقع تحمیل کردن اسطوره‌های آن از طریق زبان به کار رفته در متن‌ها به مخاطبان است. لارمن و گراهام (Larmon & Graham, 2015) در مقاله‌ای با عنوان «آموزش تاریخ از طریق نوشتن تکالیف خلاقانه»، بر این باورند که اگر به دانش‌آموزان و دانشجویان تکالیف نوشتاری مناسب داده شود باعث می‌شود آنان با استفاده از زبان و زمان افعالی که در متن‌های خود به کار می‌برند، به عقب برگردند و خود را در فضای گذشته فرض کنند و همین باعث پرورش حس انتقادگری آنان می‌شود. لودویگسن و بوث (Ludvigsson & Booth, 2015) در کتابی با عنوان *توسعه آموزش و فراگیری علم تاریخ، بر تقویت تفکر انتقادی دانشجویان برای یادگیری بهتر تاریخ* تأکید می‌کنند و اعتقاد دارند تاریخ فقط خواندن محض نیست بلکه تحقیقات در مورد صحت و سقم مطالب آن است. موریو (Moreau, 2011) در کتابی به نام *طبیعت کتاب‌های درسی* معتقد است که ملت‌ها با اسطوره‌هایشان به دنیا می‌آیند و می‌میرند، بنابراین وجود اسطوره در کتاب‌های درسی تاریخ لازم است و با توجه به تغییر افراد، اسطوره‌ها هم گاهی نیاز به تغییر دارند ولی مورخان عمدتاً در به وجود آوردن اسطوره‌های جدید موفق نیستند و همین باعث تحریف واقعیت‌ها در تاریخ می‌گردد. رشیدی و سعیدی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل گفتمان انتقادی کتاب فارسی امروز

برای دانشجویان خارجی براساس چهارچوب تحلیلی وندایک و ون لیون»، ساختارهای گفتمان مدار را در کتاب مشخص کردند و نشان دادند که نویسنده از میزان جزئیات و سطح توصیف بیشترین استفاده را نموده است، زیرا کتاب مورد بررسی برای زبان‌آموزان مبتدی تهیه شده و او سعی کرده است از پیچیدگی‌ها و پنهان‌سازی دوری کند. صیامیان (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «از تاریخ سیاسی تا سیاست تاریخ: بررسی انتقادی بازنمایی تاریخ تحولات ایران دوره آل‌بویه در کتاب‌های درسی دانشگاهی» نشان می‌دهد که فقدان سیاست تاریخ به معنای معیارهای علمی روزآمد و کارآمد در آموزش تاریخ هم‌تراز با حوزه‌های علمی این رشته در دنیای معاصر علم تاریخ موجب شده است بازنمایی وجوه تمدنی و فرهنگی تحولات مهم این دوره مهم از تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی در نظام کتب درسی دانشگاهی رشته تاریخ بسیار کم‌رنگ و روایت تاریخ تحولات سیاسی آن بسیار برجسته شود.

احمدی (۱۳۹۱) در مقاله «بررسی کتاب‌های درسی جمهوری آذربایجان با تأکید بر کتاب‌های تاریخی»، به بررسی کتاب‌های تاریخ مدارس آذربایجان پس از فروپاشی شوروی سابق می‌پردازد که رکن اصلی تحول در این کتاب‌ها، ساختن هویتی مستقل از ایران و شوروی و ترکیه است. رشیدی و زارعی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل گفتمان کتاب Reader's Choice براساس چهارچوب هاج و کرس»، به بررسی میزان پنهان‌کاری و جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک در کتاب مذکور پرداختند و به این نتیجه رسیدند که جهت‌گیری‌های فردی، اجتماعی و پنهان‌کاری در کتاب مورد بررسی وجود ندارد و برای تدریس، کتاب مناسبی است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

روشی که در پژوهش حاضر به منظور یافتن تفاوت‌های ایدئولوژیک بین نویسندگان کتاب‌های تاریخ بومی و غیربومی به کار رفته، روش کمی و کیفی و تطبیقی با استفاده از الگوی تحلیل گفتمان وندایک (Van Dijk, 2000 & 2004) است که براساس آن، وی به ابعاد گفتمانی ایدئولوژی‌ها توجه ویژه‌ای نشان می‌دهد و روشن می‌کند که چگونه ایدئولوژی‌ها می‌توانند در گفتمان بیان یا پنهان گردند و همچنین چگونه نویسندگان و گویندگان با بهره‌گیری از ساختارهای کلامی متنوع و راهبردهای ایدئولوژیک نظیر قطبی‌شدگی، ارزیابی و وجهیت، در بازنمودن وقایع تاریخی یکسان، تفاوت‌هایی را با

یکدیگر نشان می‌دهند. در واقع دیدگاه نویسندگان بومی و غیربومی در روایت تاریخ بار ایدئولوژیک یکسانی ندارند. این پژوهش درصدد کشف تحمیل عامدانه ایدئولوژی منفی نیست، بلکه تلاشی است برای کشف تفاوت در لایه‌های ایدئولوژیک که در متن‌های به‌ظاهر و با موضوعی مشابه وجود دارد. بر همین اساس چهار سلسله سامانیان، غزنویان، سلجوقیان و قراخانیان در کتاب‌های درسی بومی و کتاب‌های درسی غیربومی، که اصطلاحاً تاریخ ایران دوره میانه گفته می‌شود بررسی می‌شوند.

در این تحقیق سعی شده است با بررسی میزان و تنوع راهبردهای ایدئولوژیک کتاب‌های درسی تاریخ بومی و غیربومی، ابتدا نگاه نویسندگان بومی و غیربومی به سلسله‌های سامانیان، غزنویان، سلجوقیان و قراخانیان آشکار و سپس مشخص شود که چه تفاوت‌هایی بین دیدگاه هنجاری، توصیف تبیین‌های روایی و خوانش و تفسیر نویسندگان ایرانی و خارجی درباره این سلسله‌ها وجود دارد. فرض بر این است که نخست، با بررسی ابزارهای تحلیل گفتمان و ندایک می‌توان تا حدودی دیدگاه‌های نویسندگان بومی و غیربومی را نسبت به این دوران تاریخی تحلیل نمود و دوم، با بررسی راهبردهای ایدئولوژیک به کار رفته در متن، تفاوت‌هایی را که در دیدگاه نویسندگان ایرانی و خارجی نسبت به تاریخ ایران وجود دارد نمایان کرد.

جدول ۱ تعداد واژه‌های کتاب‌های بومی و غیربومی

سلسله‌های تاریخی	کتاب بومی	کتاب غیربومی
سامانیان	تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، تاریخی ایران از فروپاشی دولت ساسانیان تا اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره آمدن سلجوقیان سامانیان	تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، تاریخی ایران از فروپاشی دولت ساسانیان تا آمدن سلجوقیان
	۱۱۲ هزار و ۴۲۷ واژه	۸۳ هزار و ۹۶۸ واژه
غزنویان	غزنویان: از پیدایش تا فروپاشی	تاریخ ایران از فروپاشی دولت ساسانیان تا آمدن سلجوقیان
	۱۵۱ هزار و ۵۲۵ واژه	۱۲۱ هزار و ۳۵۶ واژه
سلجوقیان	سلجوقیان از آغاز تا فرجام	تاریخ ایران کیمبریج: از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان
	۱۶۱ هزار و ۵۶۴ واژه	۱۱۶ هزار و ۸۰۱ واژه
قراخانیان	قراخانیان: بنیان‌گذاران نخستین سلسله ترک مسلمان در فرارود (آسیای میانه)	تاریخ ایران کیمبریج: از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان
	۹۶ هزار و ۷۲۳ واژه	۵۲ هزار و ۱۲ واژه

در بررسی انجام شده روی کتاب‌های درسی تاریخ دانشگاهی، تعداد راهبردهای موجود در رویکرد ون‌دایک (Van Dijk, 2004) استخراج گردید که با توجه به حجم کمتر کتاب خارجی و برای ایجاد تناسب، ابتدا تمام واژه‌های کتاب‌های بومی و غیربومی به شرح جدول شمارش گردید.^۱

آن‌گاه از تعداد راهبردها نسبت به کلمات کتاب‌ها، نسبت آماری گرفته شد تا ارزیابی از اعتبار لازم برخوردار باشد. به بیانی دقیق‌تر، برای مقایسه آمارها، به لحاظ متفاوت بودن تعداد (بیشینه) واژه‌های به کار رفته در کتاب‌های بومی و غیربومی، درصد تعداد راهبردها به واژه‌ها برای تمام کتاب‌ها با استفاده از تناسب محاسبه شد که چنین است:

$$\frac{m}{n} \times 100 \quad m = \text{تعداد راهبردها} \quad n = \text{تعداد واژه‌ها}$$

مثال: $15\% = \frac{24235}{161564} \times 100 =$ تعداد راهبرد ایدئولوژیک قطبی شدگی در محور

معنا به تعداد کل واژه در دوره سلجوقیان (کتاب بومی) (فرای، ۱۳۸۵).

در ادامه پژوهش جدول‌ها و نمودارهایی ارائه می‌گردد که در آن‌ها داده‌های جمع‌آوری شده از کتاب‌های بومی و غیربومی به درصد و در هر یک از محورهای ایدئولوژیک ذکر شده، به نمایش درآمده است. سپس اطلاعات به دست آمده به صورت کمی، کیفی و تطبیقی با استفاده از آزمون تی و کلوموگراف اسمیرنوف - که از آزمون‌های زیرمجموعه آزمون spss هستند - بررسی می‌شوند تا مشخص گردد تفاوت‌های احتمالی بین میانگین درصد به کارگیری راهبردها به وسیله نویسندگان در توصیف وقایع، سرداران و حاکمان سلسله‌های مورد بحث معنادار هستند یا خیر. حال به تجزیه و تحلیل داده‌های استخراج شده در هر یک از محورها می‌پردازیم.

تجزیه و تحلیل داده‌های محور معنی

همان‌طور که ذکر شد در پژوهش حاضر محور معنی دارای راهبردهای ایدئولوژیک قطبی شدگی، گواه‌نمایی، ابهام و مثال است که در ابتدا برای آشنایی با چگونگی استفاده از راهبردها در متن کتاب‌ها، به ارائه نمونه‌هایی از هر دو کتاب می‌پردازیم.

۱. اطلاعات کتاب‌شناختی هر سلسله در این جدول آمده است و خوانندگان محترم می‌توانند در ارجاعات بعد به این جدول مراجعه کنند.

۱. نمونه‌هایی از کاربرد راهبرد گواه‌نمایی

طبق رویکرد وندایک (Van Dijk, 2000) در جامعه معاصر، رسانه‌ها معیار گواه‌مندی به‌شمار می‌روند و بخش مهمی از راهبرد گواه‌مندی مورد استفاده مردم را تشکیل می‌دهند که این پیام‌های رسانه‌ای می‌تواند سوگیرانه باشد. بنابراین، کتاب‌ها، به‌ویژه کتاب‌های درسی دانشگاهی جزو رسانه‌های پرنفوذند و نویسندگان می‌توانند با استفاده از راهبرد گواه‌نمایی، ایدئولوژی خود را به خوانندگان منتقل کنند. نویسندگان کتاب‌های بومی و غیربومی کتاب‌های درسی تاریخ دانشگاهی نیز با استفاده از نقل قول‌هایی که به نظراتشان نزدیک‌تر است، روایت‌های متفاوتی از تاریخ را مطرح می‌سازند تا روایت خود را تثبیت کنند. این تفاوت‌ها در مثال‌های زیر آشکار است؛ بدین ترتیب که نویسنده بومی از منبعی استفاده کرده که اسماعیل سامانی را طمع‌کار توصیف نموده است، در حالی که نویسنده غیربومی از نقل قول‌هایی بهره برده است که امیراسماعیل سامانی را فردی متعصب به زبان فارسی و در مثال دیگر او را فردی عادل معرفی می‌کند. همان‌طور که می‌بینیم هر کدام از نویسندگان بر بُعدی از شخصیت امیراسماعیل سامانی تأکید کرده‌اند که خوانش روایت تاریخی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین طبق نظریه وندایک (Van Dijk, 2000) که معتقد است گویندگان در قبال گفته‌هایشان مسئول‌اند، بنابراین اگر عقیده‌ای را بیان می‌کنند، اغلب انتظار می‌رود شواهدی برای باورهایشان ارائه دهند تا به این وسیله منظور خود را اثبات کنند؛ نویسندگان بومی و غیربومی هم برای ابراز عقیده خود در مورد شاه اسماعیل سامانی، از کتاب‌های تاریخی دیگر شواهدی را ارائه می‌دهند تا بتوانند مخاطبان را نسبت به افکار خویش متقاعد سازند. اینک به شرح نمونه‌هایی از راهبرد گواه‌نمایی می‌پردازیم:

- ۱-۱ بنا به نوشته تاریخ سیستان تضاد منافع عمرو با مطامع اسماعیل به رویارویی انجامید (کتاب بومی سامانیان، صفحه ۶۵) (فروزانی، ۱۳۹۰).
- ۱-۲ ابوالقاسم رافعی می‌گوید اسماعیل اموال برخی از بزرگان مالکان را با رضایت توده مردم مصادره نمود (کتاب غیربومی سامانیان، صفحه ۱۲۴) (فرای، ۱۳۸۵).
- ۱-۳ حمدالله مستوفی می‌گوید که امیراسماعیل فرمان‌ها را به زبان فارسی برگرداند (کتاب غیربومی قراخانیان، صفحه ۱۲۹) (بویل، ۱۳۸۵).
- ۱-۴ تاج‌الدین سبکی ذکر می‌کند که نظام‌الملک نخستین کسی بود که رسم برقرار کردن مدد معاش برای طلاب را متداول کرد (کتاب بومی سلجوقیان، صفحه ۲۱۳) (فروزانی، ۱۳۹۳).

در تمام موارد مذکور، مؤلف با ارجاع به یک متن تاریخی، تفسیر خویش را - که حامل ایدئولوژی وی است - بر متن تحمیل کرده و بدین ترتیب توصیف و تبیین خاصی را در بازنمایی رویدادها و معنای عملکرد کنشگران تاریخی ارائه کرده است که در بردارنده تضاد منافع نخبگان سامانی و یا مردم گرایی و ایران گرایی آنان است.

۲. نمونه‌هایی از کاربرد راهبرد مثال

گویندگان و نویسندگان برای تشریح و ملموس نمودن یک موضوع یا یک مفهوم در گفته‌ها یا نوشته‌های خویش از مثال‌ها استفاده می‌کنند (Van Dijk, 2004). بنابراین مؤلفان کتاب‌های درسی تاریخ دانشگاهی نیز از این راهبرد برای تشریح فضای دوران‌های تاریخی گذشته بهره گرفته‌اند که البته میزان این بهره‌گیری، در نزد نویسندگان بومی و غیربومی یکسان نیست. برای نمونه، نویسنده غیربومی برای توصیف رفتار شاه اسماعیل سامانی با زبردستان، مثالی از دادگری وی مطرح می‌کند، در حالی که نویسنده بومی در مثالی که ارائه می‌دهد، عدالت او را به چالش می‌کشد. به عبارت روشن‌تر، نظرات نویسندگان بومی و غیربومی در توصیف رفتار و عدالت شاه اسماعیل سامانی، به نوعی در تضاد با یکدیگر است و باعث روایت‌های متفاوتی از تاریخ دوره سامانیان می‌گردد. بنابراین، نویسندگان ایرانی و خارجی برای تسهیل روند انتقال افکار خویش درباره شاه اسماعیل سامانی به ذهن خوانندگان، از راهبرد ایدئولوژیک مثال بهره برده‌اند. نمونه‌هایی از این راهبرد به شرح زیر است:

۲-۱ به عنوان مثال شاه اسماعیل دادگر است که عدالت را رعایت می‌کرد (کتاب بومی، صفحه ۱۳۷) (فروزانی، ۱۳۹۰).

۲-۲ به عنوان مثال اسماعیل سامانی محصولات صادراتی را بردگان ترک، مس و آهن می‌داند (کتاب غیربومی سامانیان، صفحه ۱۶۴) (فرای، ۱۳۸۵).

۳. نمونه‌هایی از کاربرد راهبرد ابهام

وندایک (Van Dijk, 2004) بر این باور است که ابهام ابزار ایدئولوژیک قدرتمندی است که نویسندگان یا گویندگان با ارجاع به منابع نامشخص می‌توانند هدفی را کوچک یا رخدادی را پررنگ جلوه دهند. نویسندگان بومی و غیربومی کتاب‌های درسی تاریخ دانشگاهی نیز، برای نمونه، از این راهبرد برای بیان نظرات و تفکرات خویش درباره وضعیت سپاه ملک شاه غزنوی بهره برده‌اند؛ بدین ترتیب که نویسنده بومی با استفاده از

اصطلاحاتی از قبیل «برخی» و «تعدادی»، با بزرگ‌نمایی تعداد بیماران یا کشته‌شدگان سپاهیان ملک‌شاه در جنگ کرمان، پیروزی ملک‌شاه در کرمان را کم‌رنگ جلوه می‌دهد و نیز برای نشان دادن دیدگاه منفی خود دربارهٔ حملهٔ ملک‌شاه به کرمان، با بزرگ‌نشان دادن صدمات وارد شده به لشکر وی، پیروزی ملک‌شاه در کرمان را در نظر مخاطبان به حاشیه می‌راند.

از سوی دیگر، نویسندهٔ غیربومی با کاربرد کلماتی مانند «بسیار» و «فراوان»، تلاش کرده است با بزرگ‌نمایی تعداد زیاد سپاهیان ملک‌شاه در نبرد کرمان، زاویهٔ دید مثبت خود را به او و لشکر کشتی به کرمان آشکار سازد و به نحوی پیروزی ملک‌شاه را مهم جلوه دهد، که این امر نشان‌دهندهٔ تقابل عقاید نویسندگان بومی و غیربومی دربارهٔ جنگ کرمان است و می‌تواند به خوانش‌های متفاوتی از روایت‌های تاریخ سلجوقیان منجر گردد. همچنین وندایک (Van Dijk, 2000) معتقد است وقتی نویسنده یا گوینده پاسخ دقیق پرسشی را نمی‌داند می‌تواند طفره برود یا مبهم باشد و همچنان ناآگاه به نظر نرسد، بنابراین استفادهٔ نویسندگان بومی و غیربومی از راهبرد ابهام می‌تواند به ترتیب نشان‌دهندهٔ ناآگاهی آنان از شمار کشته‌شدگان یا بیماران لشکریان ملک‌شاه، یا تعداد سپاهیان ملک‌شاه سلجوقی در کرمان باشد، که هر دو نویسنده سعی در پنهان‌سازی آن دارند و در عین حال می‌کوشند دیدگاه‌های خود را در مورد این واقعهٔ خاص به خوانندگان منتقل سازند. حال به شرح نمونه‌هایی از راهبرد گواه‌نمایی می‌پردازیم:

۳-۱ با وجود پیروزی در کرمان، برخی از لشکریان ملک‌شاه بیمار، و تعدادی کشته شدند (کتاب بومی سلجوقیان، صفحهٔ ۱۴۲) (فروزانی، ۱۳۹۳).

۳-۲ ملک‌شاه با لشکر بسیار و حشم فراوان بر دروازهٔ بردسیر کرسی ولایت کرمان نزول کرد (کتاب غیربومی، صفحهٔ ۹۲) (فرای، ۱۳۸۵).

۴. نمونه‌هایی از کاربرد راهبرد قطبی‌شدگی

قطبی‌شدگی یکی از راهبردهای مهم ایدئولوژیک است که گوینده/ نویسنده با به کارگیری آن در تلاش است از واژه‌ها و عباراتی استفاده کند که دو قطب یا جبههٔ مخالف را برای خوانندگان به تصویر بکشد (Van Dijk, 2004). مؤلفان ایرانی و خارجی، برای بیان ایدئولوژی خود از راهبرد قطبی‌شدگی استفاده کرده‌اند. برای نمونه، نویسندهٔ بومی برای نشان دادن دشمنی و جنگ بین سپاهیان قراخانی و مسیحیان صلیبی، قلیچ‌خان ارسلان را در

یک قطب و مسیحیان صلیبی را در قطب دیگر قرار داده و از رشادت‌های بسیار سپاهیان قراخانی یاد کرده‌است. از سوی دیگر، نویسنده غیربومی نیز با قرار دادن قراخانیان و صلیبیان در دو قطب مخالف، سعی در نمایان ساختن توان و قدرت صلیبیان دارد. وندایک (Van Dijk, 2004) بر این باور است که نویسندگان و گویندگان برای طبقه‌بندی و تفکیک میان گروه‌های «خودی» و «غیرخودی» از راهبرد قطبی‌شدگی بهره می‌گیرند که در آن، ویژگی‌های مثبت را به گروه خویش منتسب می‌کنند و ویژگی‌های منفی را به گروه‌های بیگانه نسبت می‌دهند. در اینجا هم نویسنده بومی ویژگی مثبت «رشادت» را به قراخانیان که در ایران حکومت می‌کردند، نسبت داده است، در حالی که نویسنده غیربومی ویژگی مثبت «خسارت زدن به دشمن» را به صلیبیان که ایرانی نیستند، منتسب کرده‌است. بنابراین نگاه قطبی‌شدگی بین «گروه خودی» یا «ما»، و گروه «غیرخودی» یا «آن‌ها»، در بیان این رویداد تاریخی آشکار است، که این امر می‌تواند دلیلی بر روایت‌های متفاوت از تاریخ دوره قراخانیان باشد. اینک به شرح نمونه‌هایی از قطبی‌شدگی می‌پردازیم:

۴-۱ قلیچ‌خان ارسلان با سپاهش رشادت‌های زیادی در جنگ با صلیبیان نشان داد (کتاب بومی قراخانیان، صفحه ۲۵۷) (فروزانی، ۱۳۸۹).

۴-۲ در نبردی که بین صلیبیان و ارسلان‌خان قراخانی در گرفت، صلیبیان خسارات زیادی به سپاه قراخانیان وارد کردند (کتاب غیربومی قراخانیان، صفحه ۶۷) (بویل، ۱۳۸۵).
با توجه به نمونه‌های ۱-۱ و ۴-۲، طبق بررسی‌های به‌عمل آمده در متن دو کتاب بومی و غیربومی درباره درصد راهبردهای قطبی‌شدگی در محور معنی، نتایج زیر حاصل گردید:

جدول ۲ راهبرد ایدئولوژیک قطبی‌شدگی در محور معنی

سلسله‌های تاریخی	کتاب بومی (به درصد)	کتاب غیربومی (به درصد)
سامانیان	۵	۸/۲
غزنویان	۱۱	۱۶/۷۸
سلجوقیان	۱۵	۱۷/۹۸
قراخانیان	۹	۱۳/۷۴
میانگین راهبردها	۱۱/۸۳	۱۵/۷۸

بر اساس جدول ۲، میانگین استفاده نویسنده غیربومی از راهبرد قطبی‌شدگی نسبت به نویسنده بومی بیشتر است. همچنین طبق بررسی‌های کمی، همان‌طور که در جدول ۲ ملاحظه می‌گردد، تعداد نمونه‌ها زیاد است که در این پژوهش به ذکر چند نمونه بسنده

شده است. با تحلیل نمونه‌های جمع‌آوری شده، معلوم شد که نویسنده بومی با استفاده از راهبرد قطبی‌شدگی، در پی نشان دادن این موارد است: «خصومت» مانند کشمکش روحانیون و قراخانیان، «ضعف» مانند شکست سلطان سنجر سلجوقی از قراخانیان که نسبت به سلجوقیان، حکومت بسیار کوچک‌تری بوده است و «قدرت» مانند سلطه غزنویان بر غوریان که قدرت سلطان محمود غزنوی را آشکار می‌سازد. در حالی که نویسنده غیربومی بیشتر جنگ بین حکومت‌ها مانند «شورش قراخانی بر خوارزمشاه و جنگ غزنویان با قراخانیان و ستیز سامانیان با قراخانیان» را نمایان می‌سازد. بنابراین دیدگاه‌هایی که نویسندگان بومی و غیربومی با استفاده از این راهبرد به خوانندگان منتقل می‌کنند، با یکدیگر متفاوت است؛ بدین ترتیب که نویسنده غیربومی با این راهبرد بیشتر در پی القا کردن دشمنی و جنگ بین اقوام و حکومت‌های ایرانی در ذهن مخاطبان است، در حالی که نویسنده بومی علاوه بر مطرح نمودن جنگ، بیشتر به دنبال نشان دادن ضعف و قدرت حکومت‌ها و ارتباط لایه‌های درونی جامعه - مانند رابطه بین روحانیون و دولت‌ها - است. بنابراین نویسنده بومی، با استفاده از راهبرد قطبی‌شدگی حس دشمنی، ضعف و قدرت در دوران‌های تاریخی مورد بحث را با هم به خوانندگان منتقل می‌کند.

جدول ۳ راهبرد ایدئولوژیک گواه‌نمایی در محور معنی

سلسله‌های تاریخی	کتاب بومی (به درصد)	کتاب غیربومی (به درصد)
سامانیان	۲۵	۲۸
غزنویان	۸۱	۱۶/۹۱
سلجوقیان	۸۱	۲۴/۱۶
قراخانیان	۲۸	۲۱/۶۵
میانگین راهبردها	۷۱/۳	۲۳/۱۲

با توجه به جدول ۳ ملاحظه می‌گردد که درصد گواه‌نمایی کتاب بومی تقریباً سه برابر کتاب غیربومی است. این امر حاکی از آن است که هر دو نویسنده بومی و غیربومی کوشش نموده‌اند طبق نظریه وندایک (Van Dijk, 2000)، برای اثبات ادعاهای خود و جلب اعتماد بیشتر خوانندگان، از راهبرد ایدئولوژیک گواه‌نمایی، با ذکر نام کتاب‌های تاریخی - که نظراتی مشابه با آنان داشته‌اند - از قبیل تاریخ سیستان، سیاست‌نامه ... بهره ببرند. همچنین طبق بررسی‌های کمی، همان‌طور که در جدول ۳ ملاحظه می‌گردد، تعداد نمونه‌ها زیاد است که در این پژوهش به ذکر چند نمونه بسنده شده است. با بررسی و تحلیل داده‌های

جمع آوری شده، نویسنده بومی با ذکر نقل قول‌هایی از قبیل «خراب کردن محراب مسجد توسط شمس الملک قراخانی»، دیدگاه منفی خود را به اقدامات صورت گرفته در این دوره، بیشتر آشکار نموده است. همچنین نویسنده ایرانی با استفاده از این راهبرد، علاوه بر تشریح اوضاع داخلی حکومت‌ها «مانند به ستوه آمدن احمد سامانی از رشوه‌گیری» در تاریخ طبرستان و «رواج بازرگانی» در همین دوره در کتاب الیمینی، به احوالات فرهنگی نیز توجه نموده است. برای نمونه نقل قول‌هایی از مجمع‌النساب و مقدسی را در مورد «علاقة سلطان مودود غزنوی به موسیقی» و «تالیفات نظام‌الملک» بیان نموده است. در حالی که نویسنده غیربومی درباره اوضاع فرهنگی جامعه در این دوران‌ها، نقل قول چندانی نیاورده است و بیشتر گواه‌نمایی‌های وی به تشریح جنگ‌ها، ثروت حکومت‌ها «مانند تجاوزات ارتش هند به ایران و جمع آوری غنائم توسط سلطان محمود» از بار تولد، و اعمال ناشایست حاکمان سلجوقی «مانند ستم وارد به مردم هرات و قتل ابوطالب توسط طغرل سلجوقی» محدود گردیده است.

جدول ۴ راهبرد ایدئولوژیک مثال در محور معنی

سلسله‌های تاریخی	کتاب بومی (به درصد)	کتاب غیربومی (به درصد)
سامانیان	۱	۶/۵۸
غزنویان	۶	۱۹/۶۷
سلجوقیان	۲	۶۶/۳۹
قراخانیان	۱	۵/۷۲
میانگین راهبردها	۳	۱۵/۴۱

طبق بررسی‌های کمی، همان‌طور که در جدول ۴ ملاحظه می‌گردد، تعداد نمونه‌ها زیاد است که در این پژوهش به ذکر چند نمونه بسنده شده است. همچنین براساس جدول ۴ مشخص است که کتاب غیربومی از درصد مثال‌های بسیار بیشتری استفاده کرده است تا فضای اجتماعی ایران را در این چهار سلسله برای خوانندگان خود تشریح کند. با توجه به نتایج تحلیل نمونه‌های جمع آوری شده، فضایی که نویسنده غیربومی توصیف نموده شرایطی است که اختلاف طبقاتی بین منسوبان حکومت و مردم عادی به لحاظ اقتصادی مانند «معافیت صاحب‌منصبان از پرداخت مالیات»، بسیار نمایان است. همچنین حاکمان سامانی را مانند «شاه اسماعیل دادگر است که عدالت را رعایت می‌کرد»، عادل معرفی نموده است و دیدگاه مثبتی نسبت به او دارد. در مقابل، نویسنده بومی نسبت به سلطان محمود غزنوی مانند «غنیمتی

که سلطان محمود از هند به ایران آورد، مثال زدنی است»، دیدگاه مثبتی دارد، و در مقابل به طغرل سلجوقی مانند «طغرل سلجوقی دادگری را رعایت نمی کرد»، دیدگاه منفی دارد، و با مثال هایی که مطرح می کند، می کوشد این موضوع را برای دانشجویان ملموس تر سازد. مثال ها براساس رویکرد وندایک (Van Dijk, 2004)، به سادگی قابل فهم هستند، راحت تر به خاطر سپرده می شوند و شرایط عینی تری را برای خوانندگان فراهم می کنند، که در این میان نویسنده غیربومی از مثال های بیشتری استفاده کرده است و با توجه به بررسی نمونه ها، بیشتر از نویسنده بومی به توصیف جنگ ها و وضعیت تجهیزاتی سپاهیان پرداخته و سعی کرده است قدرت نظامی این سلسله ها را به تصویر بکشد.

جدول ۵ راهبرد ایدئولوژیک ابهام در محور معنی

سلسله های تاریخی	کتاب بومی (به درصد)	کتاب غیربومی (به درصد)
سامانیان	۶	۱۳/۱۷
غزنویان	۲۱	۳۷/۶۳
سلجوقیان	۲۱	۲۴/۸۹
قراخانیان	۱۴	۳۳/۷۱
میانگین راهبردها	۱۸/۹	۲۹/۷۶

راهبرد ایدئولوژیک دیگری که بررسی می شود، ابهام است. براساس رویکرد وندایک (Van Dijk, 2004)، نویسندگان با به کارگیری ابهام، سعی در برجسته کردن یا برعکس، کوچک تر نمودن رخدادها یا پنهان کردن ناآگاهی خویش دارند؛ مانند نویسنده غیربومی در مثال های «لشکر بسیار غزنویان در ری» یا «شمار زیادی از بردگان اسماعیلیه»، که سعی در بزرگ نمایی سپاهیان غزنوی یا تعداد بردگان اسماعیلیه دارد. نویسنده بومی هم در نمونه «هجوم عده کثیری از ترکان به امیراسماعیل سامانی» یا «غنائم بسیار سلطان غزنوی از هند»، به بزرگ نمایی تعداد ترکان و ثروت سلطان غزنوی می پردازد. همچنین استفاده از این راهبرد می تواند نشان دهنده عدم اطلاع دقیق نویسنده از تعداد ترکان مهاجم یا مقدار غنائم به دست آمده از هند باشد. همان طور که در جدول ۵ پیداست، درصد موارد ابهام به کاررفته در کتاب غیربومی بالاتر از کتاب بومی است و طبق بررسی های کمی، با توجه به جدول، تعداد نمونه ها زیاد است که در این پژوهش به ذکر چند نمونه بسنده شده است. براساس تحلیل نمونه ها، نویسنده خارجی با به کارگیری بیشتر صفت های مبهم از قبیل: «بسیاری»، «فراوانی» و «کثیری» کوشیده است از راهبرد ایدئولوژیک ابهام به مثابه ابزاری

برای طفره رفتن از ارائه آمار دقیق استفاده کند و با این کار، از یک سو، ثروت سلسله غزنویان را با دیدی مثبت «مانند غنائم بسیار سلطان محمود از هند»، زیاد جلوه دهد و از سوی دیگر، تعداد لشکر سلجوقیان را «مانند سپاه پرشمار سلجوقیان»، انبوه نشان دهد. همچنین نویسنده غیربومی سعی در بزرگ‌نمایی لشکریانی دارد که معمولاً ایرانی نیستند و به ایران حمله کرده‌اند، «مانند یورش لشکریان فراوانی از چین به طغان‌خان قراخانی». این در حالی است که نویسنده بومی با استفاده از راهبرد ابهام، بیشتر به بزرگ‌نمایی یا نگاه مثبت به سپاهیان و پیروزی‌های سلسله سامانیان که ایرانی بودند، پرداخته است؛ مانند «هجوم عده کثیر ترکان به قلمرو امیراسماعیل سامانی و پیروزی وی بر آنان»، در حالی که از لحاظ اخلاقی امیراسماعیل را فردی طماع معرفی کرده است. بنابراین می‌توان اذعان نمود که نویسندگان ایرانی و خارجی با استفاده از راهبرد ایدئولوژیک ابهام، دید متفاوتی نسبت به تاریخ ایران ارائه داده‌اند که می‌تواند در خوانش تاریخ اثرگذار باشد.

تجزیه و تحلیل داده‌های محور سبک

یکی دیگر از محورهای ایدئولوژیک که برای نمایان ساختن ایدئولوژی پنهان نویسندگان این کتاب‌های تاریخی درسی بومی و غیربومی بررسی می‌شود، محور سبک است. سبک به انتخاب واژه‌ای خاص، بسته به نوع گفتمان، تعلقات گروهی، مقام یا عقیده‌گوینده یا نویسنده اشاره دارد و همچنین بر واژه‌گزینی (برچسب‌دهی) دلالت می‌کند که این امر می‌تواند به ارزیابی مثبت یا منفی منجر گردد. نمونه‌هایی از راهبرد ارزیابی در کتاب‌های بومی و غیربومی چنین است:

- کتب بسیاری را به بهانه ناشر رفض و الحاد، به کام آتش انداختند (کتاب غیربومی غزنوی، صفحه ۱۵۵) (فرای، ۱۳۸۵).

- پادشاهان غزنوی به دانشمندان ارج می‌نهادند (کتاب بومی غزنویان، صفحه ۱۴۴) (فروزانی، ۱۳۹۵).

نکته گفتنی این است که ارزیابی مثبت یا منفی، با قطبی‌شدگی رابطه مستقیم دارد؛ ولی از آنجا که ارزیابی تمام قطب‌های مطرح شده در کتاب‌های تاریخی بومی و غیربومی در حوصله این مقاله نمی‌گنجد، در پژوهش حاضر، تنها به ارزیابی قطب‌های مهم سامانیان، سلجوقیان، غزنویان و قراخانیان بسنده می‌کنیم.

جدول ۶ راهبردهای ایدئولوژیک محور سبک

سلسله‌های تاریخی	کتاب بومی (به درصد)	کتاب غیربومی (به درصد)
سامانیان	ارزیابی مثبت: ۲۰	ارزیابی مثبت: ۱۳/۱۷ ارزیابی منفی: ۱۴/۸۱
غزنویان	ارزیابی مثبت: ۵۶	ارزیابی مثبت: ۱۵/۷۲ ارزیابی منفی: ۲۴/۸
سلجوقیان	ارزیابی مثبت: ۲۷	ارزیابی مثبت: ۳۷/۳۴ ارزیابی منفی: ۳۰/۷۸
قراخانیان	ارزیابی مثبت: ۲۰	ارزیابی مثبت: ۲۴/۲۲ ارزیابی منفی: ۳۹/۶۴
میانگین راهبردها	میانگین راهبرد مثبت: ۳۹/۷۳	میانگین راهبرد مثبت: ۳۵/۵۸ میانگین راهبرد منفی: ۲۸/۸

طبق نظریه وندایک (Van Dijk, 1997) که واژه‌گزینی را منوط به انتخاب کلماتی می‌داند که به طور ضمنی به ارزیابی مثبت یا منفی به وجود آورندگان متون اشاره دارند، نویسندگان بومی و غیربومی نیز با به کارگیری کلماتی که دارای بار ایدئولوژیک منفی یا مثبت هستند، دیدگاه خود را نسبت به رویدادهای تاریخی ابراز کرده‌اند. با توجه به مثال‌های مطرح شده نویسنده بومی با آوردن کلمه «بهانه» - که دارای بار ایدئولوژیک منفی است - نگاه منفی خود را درباره به آتش کشیده شدن کتاب‌ها به دست غزنویان آشکار می‌سازد، در حالی که نویسنده غیربومی با به کارگیری واژه «ارج» (که دارای بار ایدئولوژیک مثبت است)، دیدگاه مثبت خود را نسبت به ارزش دانشمندان در دوره غزنویان نشان می‌دهد. به بیانی روشن‌تر، زاویه دید نویسنده بومی با زاویه دید نویسنده غیربومی - با توجه به واژه‌هایی که به کار برده‌اند - نسبت به ارزش علم و دانشمندان در زمان غزنویان با یکدیگر تقابل دارد و این تقابل می‌تواند باعث روایت‌های متفاوتی از تاریخ در دوره غزنویان گردد. همچنین براساس جدول ۶ نویسنده بومی در میانگین درصد ارزیابی مثبت، و نویسنده غیربومی در میانگین درصد ارزیابی منفی، از یکدیگر پیشی گرفته‌اند و با توجه به میانگین درصد به کارگیری راهبرد ارزیابی مثبت یا منفی از سوی نویسندگان، می‌توان دیدگاه مثبت یا منفی آنان را نسبت به دوران‌های تاریخی مورد بحث مشخص نمود. گفتنی است طبق بررسی‌های کمی، با توجه به جدول ۶، تعداد نمونه‌ها زیاد است که در این پژوهش به ذکر چند نمونه بسنده شده است. برای مثال، درصد ارزیابی مثبت نویسنده بومی نسبت به حاکمان و اعمال سامانیان یا اطرافیان آنان، از درصد ارزیابی منفی وی بیشتر است؛ بنابراین دیدگاه کلی نویسنده بومی به

این سلسله را می توان مثبت تلقی نمود و به همین ترتیب دیدگاه نویسنده غیربومی به سامانیان را می توان منفی در نظر گرفت. در مورد سلسله های دیگر نگاه نویسنده بومی نسبت به سلجوقیان، منفی، نسبت به غزنویان، مثبت و نسبت به قراخانیان، منفی است. در مقابل، نگاه نویسنده غیربومی را می توان نسبت به سلجوقیان، مثبت، و نسبت به غزنویان و قراخانیان، منفی در نظر گرفت. از سویی دیگر با توجه به بهره گیری کمتر نویسنده بومی از راهبرد ارزیابی مثبت و منفی، می توان ادعا نمود که دیدگاه او نسبت به چهار دوره ذکر شده، در مقایسه با نویسنده غیربومی، حالت پنهان تری به خود گرفته است.

تجزیه و تحلیل داده های محور نحو

آخرین محور ایدئولوژیک مورد مطالعه، محور نحو است. همان گونه که گفته شد وندایک معتقد است تغییرات بر محور نحو، معمولاً باعث تأکید یا تأکید نکردن بر کل یا بخشی از جمله می شوند و این تغییرات کارکرد ایدئولوژیک دارند (Van Dijk, 2004). طبق بررسی های کمی، با توجه به جدول ۷ تعداد نمونه ها زیاد است که در این پژوهش فقط به ذکر چند نمونه بسنده شده است:

- پس باید مسلم دانست که در گذشته از زبان فارسی به جای عربی، استفاده می شده است (کتاب بومی سامانیان، صفحه ۱۲۷) (فروزانی، ۱۳۹۰).
- در این مورد ما مطمئن نیستیم که از چه زمانی زبان فارسی جای عربی را گرفته است (کتاب غیربومی، صفحه ۱۵۶) (فرای، ۱۳۸۵).
- حال در جدول ۷ به بررسی کمی و تطبیقی درصد بهره گیری از راهبرد وجهیت در کتاب های بومی و غیربومی می پردازیم:

جدول ۷ راهبردهای ایدئولوژیک محور نحو

سلسله های تاریخی	کتاب بومی (به درصد)	کتاب غیربومی (به درصد)
سامانیان	۱۲	۳۰/۴
غزنویان	۷۶	۱۱/۷۵
سلجوقیان	۴۵	۹۶/۸۲
قراخانیان	۲۱	۱۸/۷۶
میانگین راهبردها	۵۶/۹	۷۴/۲۵

بر اساس رویکرد وندایک (Van Dijk, 2000) راهبرد وجهیت به شیوه بازنمایی جهان و رخدادها می پردازد، بنابراین نویسندگان بومی و غیربومی کتاب های درسی تاریخ

دانشگاهی، از این راهبرد برای بازنمایی افکار خویش در متن کتاب‌ها بهره برده‌اند. طبق نمونه‌های ارائه شده، نویسنده بومی با به کارگیری عبارت «مسلم است»، سعی دارد خواننده را متقاعد سازد که در دوره سامانیان به جای زبان عربی از زبان فارسی استفاده می‌شده است، در حالی که نویسنده غیربومی با به کارگیری عبارت «مطمئن نیستیم»، در تلاش است این پیش‌زمینه ذهنی را در مخاطب ایجاد کند که زبان عربی به جای زبان فارسی کاربرد داشته و نیز جایگزینی زبان فارسی به جای زبان عربی اهمیت چندانی نداشته است؛ زیرا حتی تاریخ دقیقی برای این جایگزینی وجود ندارد. همان‌طور که مشاهده می‌شود نظرات نویسنده بومی و غیربومی درباره استفاده از زبان فارسی در دوره سامانیان با یکدیگر تفاوتی آشکار دارد. ون‌دایک (Van Dijk, 2004) معتقد است گوینده/نویسنده ممکن است از وجه‌های متفاوت فعل، برای انعکاس مطلبی استفاده کند، بر همین اساس نویسندگان بومی و غیربومی برای ابراز ایدئولوژی خود درباره وضعیت زبان فارسی در عهد سامانیان کوشش نموده‌اند تا از راهبرد وجهیت و کاربرد ادات وجه، به مثابه ابزاری برای انعکاس عقیده خویش استفاده کنند. به عبارت دقیق‌تر، نویسنده ایرانی در پی نشان دادن اهمیت زبان فارسی در بین ایرانیان است، در حالی که نویسنده خارجی سعی می‌کند زبان فارسی را بی‌اهمیت جلوه دهد. بنابراین، تقابلی که بین نویسنده بومی و غیربومی درباره کاربرد زبان فارسی در عهد سامانیان وجود دارد، می‌تواند سبب روایت‌های متفاوت از تاریخ این دوره گردد. از سویی دیگر، با توجه به جدول ۷ مشخص است که نویسنده غیربومی از راهبرد وجهیت بیشتر استفاده کرده‌است، بنابراین می‌توان ادعا نمود که نویسنده خارجی با استفاده بیشتر از وجه‌نمایی از قبیل «بی‌تردید»، «گمان می‌رود»، و «بی‌شک» سعی کرده است با متقاعدسازی خوانندگان، آن‌ها را با تصورات و ایده‌های خویش همراه سازد و از حیث انتقال افکار به مخاطبان، موفق‌تر از نویسنده ایرانی عمل کرده‌است.

مشخصات دموگرافیک مربوط به متغیرها

در جدول ۸، برای تبیین بهتر ارتباط بین آمارها و متغیرها، مشخصات آماری شامل میانگین، انحراف استاندارد و مجموع مربوط به متغیرها را مشاهده می‌کنیم.

جدول ۸. مشخصات آماری مربوط به متغیرها

گروه	راهبردهای ایدئولوژیک	راهبردهای ایدئولوژیک	راهبردهای ایدئولوژیک	راهبردهای ایدئولوژیک	راهبردهای ایدئولوژیک	راهبردهای ایدئولوژیک
قطبی شدگی در گواه‌نمایی در	محور معنی	مثال در محور ابهام در محور معنی	محور معنی	محور معنی	محور معنی	محور معنی
کتاب میانگین	۱۱/۸۳۰	۱۸/۹۰۰	۳	۷۱/۳۰۰	۳۷/۶۵۳	۵۶/۹۰۰
بومی انحراف استاندارد	۳/۸۳۴۵	۶/۶۹۲۱	۲/۴۶۷۱	۲۴/۲۳۹۸	۱۴/۱۴۳۲	۲۲/۸۷۳۲
مجموع	۴۱/۲۰	۶۳/۱۳	۱۰/۴۳	۲۷۶/۰۷	۲۲/۴۰۹	۱۸۴
کتاب میانگین	۱۵/۷۸۰۰	۲۹/۷۶۰۰	۱۵/۴۱۰۰	۲۳/۱۲۰۰	۳۳/۸۰۷۲	۷۴/۴۳۰۰
غیربومی انحراف استاندارد	۴/۲۱۰۰	۱۲/۱۳۳۶	۲۷/۷۵۸۲	۱۰/۹۷۵۳	۲۱/۶۵۲۱	۲۲/۸۴۷۶
مجموع	۵۸/۸	۱۱۱/۴	۱۰۰/۶۵	۱۱۲/۹۴۲	۱۰۲/۶۵	۱۴۹/۷۴۳

با توجه به میانگین و انحراف استاندارد به دست آمده از آزمون کلوموگراف اسمیرنف برای بررسی نرمال بودن یا نبودن داده‌های تحقیق استفاده می‌کنیم (جدول ۹).

جدول ۹. آزمون کلوموگراف اسمیرنف برای بررسی وضعیت نرمال بودن/نبودن داده‌ها

وضعیت نرمال بودن	سطح معناداری	آماره آزمون	انحراف استاندارد	میانگین	راهبردهای ایدئولوژیک
نرمال	۰/۵۹۶	۰/۶۰۴	۴/۴۳۷۸	۱۳/۰۹۴۵	قطبی شدگی در محور معنی
نرمال	۰/۷۹۷	۰/۸۸۷	۲۳/۵۳۲۱	۴۷/۵۴۳۲	گواه‌نمایی در محور معنی
نرمال	۰/۸۱۲	۰/۵۷۶	۱۷/۴۵۶۲	۹/۲۴۰۰	مثال در محور معنی
نرمال	۰/۵۹۷	۰/۸۰۲	۹/۹۱۹۰	۱۴/۹۶۷۰	ابهام در محور معنی
نرمال	۰/۸۹۸	۰/۸۷۶	۱۸/۶۱۴۰	۳۵۵۴۶۷	محور سبک
نرمال	۰/۷۳۴	۰/۹۹۸	۲۸۷۵۴۸	۶۶/۳۴۲۱	محور نحو

با توجه به آزمون کلوموگراف اسمیرنف و با کمک جدول ۹ مشاهده می‌کنیم که در سطح خطای کمتر از ۵ درصد، سطح معناداری این آزمون برای تمامی متغیرها بیشتر از ۵ درصد است که این خود نشان‌دهنده نرمال بودن داده‌های مربوط به متغیرهاست.

آزمون تی دو نمونه مستقل (دو جامعه)

برای بیان معناداری و عدم معناداری اختلاف میانگین هر کدام از شاخص‌ها در بین دو

گروه کتاب‌های بومی و غیربومی از آزمون تی با دو نمونه مستقل استفاده می‌کنیم:
 H_0 : فرض تحقیق مبنی بر عدم معناداری تفاوت میانگین متغیرها در بین کتاب‌های بومی و غیربومی ($\geq 0/05$ سطح معناداری) و H_1 : فرض تحقیق مبنی بر معناداری تفاوت میانگین متغیرها در بین کتاب‌های بومی و غیربومی (سطح معناداری $< 0/5$) است.

با توجه به آزمون تی دو نمونه مستقل و با کمک جدول ۱۰ مشاهده می‌کنیم که در سطح خطای کمتر از ۵ درصد، سطح معناداری آزمون لون برای تمامی شاخص‌ها بیشتر از ۵ درصد است. بنابراین، از نتایجی که شرط برابری واریانس را ایجاب می‌کند، استفاده می‌کنیم. با توجه به سطح معناداری آزمون تی در شرط برابری واریانس، مشاهده می‌کنیم که در سطح خطای کمتر از ۵ درصد تنها میانگین راهبرد ایدئولوژیک قطبی‌شدگی در محور معنی، راهبرد ایدئولوژیک مثال در محور معنی و راهبرد ایدئولوژیک ابهام و گواه‌نمایی در محور معنی در دو گروه کتاب‌های بومی و غیربومی، با هم‌دیگر اختلاف

جدول ۱۰ آزمون تی با دو نمونه مستقل

راهبردهای ایدئولوژیک	آزمون لون		آزمون تی تست		
	F	سطح معناداری	T	آزادی	سطح معناداری
قطبی‌شدگی در محور معنی	۵/۶۸۵	۰/۰۵۹	-۲/۵۴۵	۶	۰/۰۶۸
گواه‌نمایی در محور معنی	۰/۰۱۴	۰/۸۶۹	۰/۸۳۷	۶	۰/۰۵۴
مثال در محور معنی	۴/۴۸۵	۰/۰۶۵۴	-۷/۸۰۶	۶	۰/۰۵۳
ابهام در محور معنی	۳/۰۸۸	۰/۶۰	-۲/۸۳۸	۶	۰/۰۶۰
محور سبک	۰/۰۶۷	۰/۸۰۴	-۱/۰۶۱	۶	۰/۶۳۰
محور نحو	۰/۸۷۰	۰/۷۹۸	-۰/۷۳۲	۶	۰/۵۴۲

معناداری دارد. در نتیجه، اختلاف میانگین میان دو گروه قابل توجه است، به گونه‌ای که این اختلاف با توجه به سطح معناداری آزمون تی (به ترتیب ۰/۰۶۸، ۰/۰۵۴، ۰/۰۵۳، ۰/۰۶۰ و ...) معنادار است. پس فرض H_0 مبنی بر عدم معناداری تفاوت میانگین این متغیرها در دو گروه کتاب‌های بومی و غیربومی رد می‌گردد و در مقابل فرض H_1 مبنی بر معناداری تفاوت میانگین این متغیرها در دو گروه کتاب‌های بومی و غیربومی پذیرفته می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر برای مشخص کردن این که در روایت رویدادهای تاریخی، چه

تفاوت‌هایی در نگاه نویسندگان ایرانی و خارجی نسبت به وقایع یا حاکمان تاریخ ایران وجود دارد؛ چهار کتاب بومی (فروزانی، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۵) و دو کتاب غیربومی (بویل، ۱۳۸۵ و فرای، ۱۳۸۵) به صورت کمی، کیفی و تطبیقی، مطالعه و مشخص شد که با بررسی راهبردهای ایدئولوژیک استفاده شده در متن کتاب‌های تاریخ بومی و غیربومی، می‌توان تفاوت‌های معنادار بین دیدگاه‌های نویسندگان ایرانی و خارجی نسبت به تاریخ ایران را نمایان ساخت. تقابل‌های میان نویسندگان بومی و غیربومی در برخی از رویدادهایی که به طور مشترک در کتاب‌های درسی تاریخ بومی و غیربومی وجود دارد، به گونه‌ای است که می‌تواند در خوانش روایت‌های تاریخی تأثیرگذار باشد. از سویی دیگر، تقابلی را که بین افکار نویسندگان بومی و غیربومی در بعضی از روایت‌های تاریخی وجود دارد، می‌توان نوعی قطبی‌شدگی در نظر گرفت، به این نحو که نویسنده بومی ویژگی‌های مثبت را بیشتر به ایرانیان اختصاص داده است در حالی که نویسنده غیربومی بیشتر ویژگی‌های مثبت را به غیرایرانیان مانند «صلیبیان» اختصاص داده است. بنابراین، تقابل بین قطب «ما» یا نویسنده ایرانی و «آن‌ها» یا نویسنده خارجی در این روایت‌ها آشکار است، بدین ترتیب که طبق نظریه وندایک (Van Dijk, 2000) نویسنده ایرانی چون متعلق به جامعه ایرانی است، کوشیده است ویژگی‌های مثبت را به ایرانیان یا «ما» بدهد و از طرفی نویسنده خارجی به عنوان «آن‌ها» به جامعه ایرانی می‌نگرد، زیرا به دنبال برجسته کردن ویژگی‌های مثبت غیرایرانیان است. همچنین در مجموع میانگین درصد بهره‌گیری از راهبردها، نویسنده غیربومی از راهبردهای ایدئولوژیک هر سه محور معنی، سبک و نحو استفاده بیشتری نموده است. بنابراین، می‌توان ادعان کرد که فنون به کار رفته از سوی نویسندگان ایرانی و خارجی نشان می‌دهد که کمیّت و کیفیت بهره‌گیری از این فنون یکسان نیست و در نتیجه نویسنده‌ای که بهره‌بهتری از این فنون برده است در تأثیرگذاری موفق‌تر خواهد بود. به عبارت دیگر، نویسنده غیربومی با به کارگیری راه‌های گوناگون زبانی بیشتر در متن کتاب‌ها، به طور نامحسوس ذهن خواننده را درگیر ایدئولوژی خویش کرده است و در نهایت افکار خود را به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه، منتقل می‌کند. شاید، برای این پژوهش، ادعای بزرگی باشد که بگوییم نویسنده خارجی در تبیین و نمایش تاریخ ایران به لحاظ عملی موفق‌تر بوده است، اما این ادعا بجاست که هر آن‌که ابزار تأثیرگذاری کلامی را بهتر در دسترس داشته باشد و از آن استفاده کند، نفوذ کلام بالاتری خواهد داشت. به طور کلی و با در نظر نگرفتن ابعاد منفی این نفوذ می‌توان گفت آگاهی از این ابزار یا به طور تخصصی‌تر آگاهی از این راهبردهای ایدئولوژیک می‌تواند در ارائه و درک و نیز شناسایی سوگیری‌های احتمالی نگارش تاریخ به

ما کمک کند. تاریخ، نمایش محض رویدادهای تاریخی نیست؛ تاریخ نوع نگرش و برداشت تاریخ‌نگار از رویدادهای تاریخی است. آگاهی از این ابزار می‌تواند حسن استفاده از این موقعیت و شناخت سوءاستفاده از موقعیت تاریخ‌نگاری را به همراه داشته باشد.

منابع

- احمدی، بابک (۱۳۹۰). رساله تاریخ: جستاری در هرمنوتیک تاریخ، تهران: انتشارات مرکز.
- احمدی، حسین (۱۳۹۱). «بررسی کتاب‌های درسی جمهوری آذربایجان با تأکید بر کتاب‌های تاریخی»، فصلنامه فرهنگی پیمان، شماره ۵۹.
- استنفورد، مایکل (۱۳۸۲). درآمدی بر فلسفه تاریخ، ترجمه احمد گل محمدی، تهران: نشر نی.
- اسکینز، کوئنتین (۱۳۹۳). بینش‌های علم سیاست: جلد اول: در باب روش، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: فرهنگ جاوید.
- ایگرس، گنورگ (۱۳۹۶). تاریخ‌نگاری در قرن بیستم: از عنایت‌گرایی تا چالش پسامدرن، ترجمه محمدابراهیم باسط، تهران: سمت.
- بویل، جان اندرو (۱۳۸۵). تاریخ ایران کیمبرج: از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلیخانان، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیر کبیر.
- خیل، پیترو (۱۳۹۴). استفاده و سوءاستفاده از تاریخ، ترجمه حسن کامشاد، تهران: فرهنگ جاویدان.
- رشیدی، ناصر و اصمغان سعیدی (۱۳۹۳). «تحلیل گفتمان کتاب فارسی امروز برای دانشجویان خارجی براساس چهارچوب تحلیلی ونلادیک و ون لیون»، پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، شماره ۳۲، ص ۱۰۰-۱۲۶.
- رشیدی، ناصر و مریم زارعی (۱۳۹۱). «تحلیل گفتمان کتاب Reader's Choice براساس چهارچوب هاج و کرس»، مجله پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، شماره ۲۶، ص ۹۹-۱۱۸.
- صیامیان، گرجی و کوروش صالحی (۱۳۹۲). «از تاریخ سیاسی تا سیاست تاریخ: بررسی انتقادی بازنمایی تاریخ تحولات ایران دوره آل بویه در کتاب‌های درسی دانشگاهی»، پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، شماره ۲۸، ص ۶۲-۷۶.
- فرای، ریچارد نلسون (۱۳۸۵). تاریخ ایران از فروپاشی دولت ساسانیان تا آمدن سلجوقیان، ترجمه حسن انوشه، جلد چهارم، تهران: امیر کبیر.
- فروزانی، سیدابوالقاسم (۱۳۸۹). قراخانیان: بنیان‌گذاران نخستین سلسله ترک مسلمان در فرارود (آسیای میانه)، تهران: امیر کبیر.
- فروزانی، سیدابوالقاسم (۱۳۹۰). تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، تهران: سمت.
- فروزانی، سیدابوالقاسم (۱۳۹۳). سلجوقیان از آغاز تا فرجام، تهران: سمت.
- فروزانی، سیدابوالقاسم (۱۳۹۵). غزنویان: از پیدایش تا فروپاشی، تهران: سمت.
- مانزلو، آلن (۱۳۹۴). وساخت تاریخ، ترجمه مجید مرادی‌سده، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.

مکالا، سی. بی.ین. (۱۳۸۷). بنیادهای علم تاریخ: چستی و اعتبار شناخت تاریخی، ترجمه احمد گل محمدی، نشر نی.

میک، یان (۱۳۹۳). پژوهش و نگارش کتاب درسی، ترجمه شهروز مرادزاده و رامین گلشایی، تهران: سمت.

Hidden, White (2002). *Methistory, The Historical in Sixth Century Europe*, The John Hopkins University Press.

Larmon, Janine and Lea Graham (2015). "Teaching Historical Through Creative Writing Assignments", *Journal Home Page*, London: Routledge.

Ludvigsson, David and Alan Booth (2015). *Enriching History Teaching and Learning*, Linkoping University.

Moreau, Joseph (2011). *School Book Nation, Conflicts over American History Textbooks from the Civil War to the Present*, The University of Michigan Press Ann Arbor.

Peterson and Graham (2015). *Teaching Critical Thinking in History*, University Analysis of Chicago Press.

Scott David and Usher Robin (2011). *Researching Education*, 2nd ed., New York: Press.

Van Dijk (1997). *Discourse and Manipulation*, London: Sage Publication.

Van Dijk and A. Teun (2000). *Ideology a Multidisciplinary Approach*, London: Sage Publication.

Van Dijk and A. Teun (2004). *Ideology and Discourse*, London: Sage Publication.

Wretch, James (2016). *A Semantic Analysis of Historians Language*, The Hangu Press.

Archive